

چند نکته دیگر

خواننده رخسار صبح از همان آغاز مطالعه، متوجه تلاش نویسنده برای سره نویسی می‌شود. نویسنده مانند غالب کسانی که در ادوار مختلف رنج سره نویسی را بر خود هموار کرده‌اند، ناچار به دادن واژه‌نامه‌ای در پایان کتاب گردیده است. اگرچه تلاش و ذوق ایشان برای یافتن یا وضع برخی از معادله‌ها درخور تحسین است ولی بی‌تردید سایه تکلف بر موضعی از کتاب افتاده است و غریب بودن برخی از معادله‌ها خواننده را در میانه مطالعه متوقف می‌سازد و به تأمل و گاه تردید در حدود و درستی واژه‌های نویافته و نوساخته نویسنده می‌کشاند. چند واژه بس نامأنوس و غریب را، که مشت نمونه خروار است، نقل می‌کنیم: مانواژ (= ادات تشبیه)، مانروی (= وجه شبه)، همتاسرایبی (= نظیره‌گویی)، گزافه نغز (= اغراق نیکو)، زیست‌نامه‌نویسان (= تذکره‌نویسان).

از سوی دیگر، تصنع و تکلف قلمی در جای‌جای کتاب محسوس است که به نمونه‌ای از آن اشاره می‌شود: «آری رنج زندان، گنج رندان است. بدان سان که اگر رنج «مرنج» مسعود سعد را نمی‌سود، اگر سوز «سوی» او را نمی‌فرسود، اگر پتک «دهک» و درای «نای» جاننش را بر سندان سختیها فرو نمی‌کوفت، مسعود سعد در سخن بدان پایه‌ای که رسیده است نمی‌رسید» (ص ۶۰).

مورد دیگر نقل قولهای مستقیم و طولانی از منابع مختلف است که گاه چهار صفحه از کتاب را دربرمی‌گیرد و مایه ملال خواننده می‌شود (ص ۸۰ تا ۸۳).

ارجاعهای مبهم نکته دیگری است که امید است در چاپهای بعدی مورد توجه و اصلاح نویسنده قرار بگیرد. مواردی از آن چنین است:

← دیباچه دیوان خاقانی - به کوشش ضیاءالدین سجادی. (بدون ذکر مشخصات دیگر)

← درباره عیسا بنگرید به: «از گونه دیگر» نوشته نویسنده. (بدون ذکر مشخصات دیگر)

همچنین باید اضافه کرد که نویسنده در کتابنامه یا، به تعبیر خودشان، «کتاب‌نامه» تاریخ چاپ هیچیک از منابع را ذکر نکرده‌اند و این امر خالی از اشکال نیست زیرا بسیاری از منابع ممکن است در چاپهای متعدد بعدی احتمالاً مورد تجدید نظر قرار گیرند و چاپهای مختلف آنها با یکدیگر تفاوت‌هایی داشته باشد.

تصحیح و نشر مآخذ «بحار الانوار»

رضا مختاری

الحدیقة الالهالیة: شرح دعاء الهلال من الصحیفة السجادیة. تألیف محمدبن حسین عاملی معروف به شیخ بهایی، تصحیح سیدعلی موسوی خراسانی، سلسله مصادر بحار الانوار (۹)، چاپ اول، قم، مؤسسه آل‌البیت، ۱۴۱۰ق، ۲۰۴ صفحه.

بیست و هفتم ماه رمضان امسال (۱۴۱۰ق.) مصادف است با سیصدمین سالروز درگذشت دانشمند مشهور شیعی، محدث متبّع و جلیل‌القدر و فقیه بلندپایه مرحوم علامه مولی محمدباقر مجلسی. مردی که حق بسیار بزرگی بر جامعه شیعه و بخصوص عالمان شیعه دارد و به این آیین و نیز کشور ایران خدمت بسیار کرده است. به این مناسبت، و نیز به دلیل اینکه «مؤسسه آل‌البیت (علیهم‌السلام) لإحياء التراث» دست به کار بسیار پرارزش تصحیح و نشر مآخذ کتاب بحار الانوار علامه مجلسی زده است، مناسب دیدم درباره بحار الانوار، و سپس درباره یکی از مآخذ آن یعنی الحدیقة الالهالیة نوشته شیخ بهایی، که به تازگی منتشر شده است مختصری بنویسم.

علامه مجلسی به سال ۱۰۳۷ق به دنیا آمده، و به تصریح خود، به سال ۱۰۷۰ق نگارش بحار الانوار را آغاز کرده، و در سال ۱۱۱۰ق درگذشته است. بحار الانوار - که نام کاملش بحار الانوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، علیهم‌السلام است - مفصلترین و مبسوطترین جامع حدیثی شیعه است. علامه مجلسی بحار را در ۲۵ مجلد سامان داده، و پیش از پاکتویس چند مجلد آخر آن رحلت کرده، و شاگردش میرزا عبدالله افندی، صاحب ریاض العلماء، آن مجلدات را مرتب کرده است. توان گفت که هدف مهم مؤلف این بوده که احادیث ائمه علیهم‌السلام را که در کتابهای مختلف پراکنده و در معرض تلف و مفقود شدن بوده و حتی بسیاری از خواص نیز از آنها اطلاعی نداشته‌اند، جمع و حفظ و ایفا کند. یکی دیگر از ثمرات پرارزش بحار تبویب و تنظیم احادیث است تا هم دسترسی به آنها آسانتر باشد و هم تواتر و استفاضه یا عدم تواتر و استفاضه آنها مشخص شود. مؤلف برای به چنگ آوردن کتب حدیث کوششهای بسیار کرده و، همان‌گونه که خود در مقدمه بحار (ج ۱، ص ۳ تا ۴) آورده، در شهرهای مختلف از آنها سراغ گرفته، و حتی برخی از شاگردانش به این منظور به جاهای زیادی سفر کرده‌اند. صاحب ریاض العلماء در

مکتوبی خطاب به علامه، درباره کتابهای متعددی می گوید: «این کتاب را برای شما خریدم» (رک: بحار، ج ۱۱۰، ص ۱۶۷، ۱۶۹، ۱۷۲) و درباره بسیاری از کتابها می گوید: «این کتاب نزد فلان آقا موجود است» از جمله درباره تعدادی از کتابها می گوید: «یوجد عندبهاء» (یا «بهائیه» یا «بهائی») که ظاهراً منظورش بهاء الدین معروف به فاضل هندی صاحب کشف اللثام است، و به کتابهایی که نزد خودش موجود بوده «عَبْدِيَّةٌ عِنْدِيَّةٌ»، و به کتابهایی که نزد علامه مجلسی بوده «مولوی» یا «مولویة» می گوید. این مکتوب افندی خالی از طنز نیست، و مثلاً در جایی درباره کتاب الفرج بعد الشدة می گوید: «بهائِي أَوْهْبَانِي؛ لِأَنِّي طَلَبْتُهُ مِنْهُ... مَرَّةً فَقَالَ: تَفَحَّصْتُهُ كَثِيرًا فَلَمْ أَجِدْهُ. فَالظَّاهِرُ أَنَّهُ ضَلَّ». (بحار، ج ۱۱۰، ص ۱۷۲). یعنی [این کتاب] بهائی است [یعنی نزد بهاء الدین (فاضل هندی) موجود است] یا «هبائی» است [یعنی گم و هباءاً منثوراً شده]. زیرا وقتی آن را از او خواستم. در پاسخ گفت: زیاد دنبالش گشتم ولی نیافتم. بنابراین ظاهراً گم شده است.

این مکتوب که به قرائنی در حدود سالهای ۱۱۰۰ به بعد نوشته شده حاوی نکات جالبی است و افندی در آن از علامه درخواست کرده شرحی بر بحار بنویسد و در جایی از آن خطاب به علامه گفته است: «... خداوند حلم و شکیبایی شما را بر سفاهتها و جهالتهای من و امتالم، زیاد کند» (بحار، ج ۱۱۰، ص ۱۷۸ و ۱۷۹)؛ و «... از این عرایض بارد و خنک از شما معذرت می خواهم.» (بحار، ج ۱۱۰، ص ۱۶۸).

مؤلف خود در دیباچه بحار (ج ۱، ص ۵) گوید: «اگر اجل مرا مهلت دهد و فضل خدای عز و جل مساعدتم کند، در نظر دارم شرحی کامل بر بحار بنویسم که دارای بسیاری از مطالبی باشد که در کتابهای عالمان شیعه نیست. و در این باب برای اهل فضل به تفصیل سخن بگویم»، ولی موفق به انجام این مهم نشده و حتی قبل از تبیيض چند مجلد بحار به جوار رحمت حق شتافته است. علامه مجلسی چنانکه از این سخن نیز استفاده می شود، در بحار در صدد تمییز درست از نادرست نبوده و هدف عمده اش جمع و تبویب و تنظیم روایات بوده است. حضرت امام خمینی (اعلی الله کلمته) در حدود چهل سال پیش در این زمینه چنین مرقوم فرموده اند:

کتاب بحار الأنوار که تألیف عالم بزرگوار و محدث عالیمقدار محمدباقر مجلسی است، مجموعه ای است از قریب چهارصد کتاب و رساله، که در حقیقت یک کتابخانه کوچکی است که با یک اسم نام برده می شود. صاحب این کتاب چون دیده کتابهای بسیاری از احادیث است که به واسطه کوچکی و گذشتن زمانها از دست می رود تمام آن

کتابها را، بدون آنکه التزام به صحت همه آنها داشته باشد، در یک مجموعه... فراهم کرده و نخواست کتابی عملی بنویسد یا دستورات و قوانین اسلام را در آنجا جمع کند تا در اطراف آن بررسی کرده و درست را از غیر درست جدا کند. در حقیقت بحار خزانه همه اخباری است که به پیشوایان اسلام نسبت داده شده چه درست باشد یا نادرست. در آن کتابهایی هست که خود صاحب بحار آنها را درست نمی داند، و او نخواست کتاب عملی بنویسد تا کسی اشکال کند که چرا این کتابها را فراهم کردی؟ پس نتوان هر خبری که در بحار است به رخ دینداران کشید که آن خلاف عقل یا حس است؛ چنانکه نتوان بی جهت اخبار آن را رد کرد که موافق سلیقه ما نیست؛ بلکه در هر روایتی باید بررسی شود و آنگاه با میزانهایی که علما در اصول تعیین کردند عملی بودن یا نبودن آن را اعلان کرد... پس انسان عاقل نباید به مجرد آنکه چیزی برخلاف سلیقه یا عادتش شد یا علم ناقصش راهی بر ادراک آن نداشت به انکار برخیزد...

مؤلف پس از دیباچه کتاب، مشتمل بر انگیزه تألیف کتاب و فواید و امتیازات آن و مطالب دیگر، در پنج فصل (ج ۱، ص ۶ تا ۸۰) مطالب سودمند و ارزنده ای آورده است، مانند مآخذ بحار، مؤلفان آنها، چگونگی انتساب آنها به مؤلفانشان، و اعتبار یا عدم اعتبار آنها؛ که برای شناخت بحار و مواد تشکیل دهنده آن راهنمایی خوب و بسیار راهگشاست.

بحار در ایران و غیر ایران بارها چاپ سنگی شده است و چند سال پیش به کوشش چند تن از عالمان و محققان بزرگ در تهران، به همت دارالکتب الاسلامیه و انتشارات اسلامیه، در ۱۱۰ مجلد، چاپ حرفوی شد. این چاپ گرچه مزایای فراوانی دارد و الحق

حاشیه:

(۱) رک: بحار الأنوار (چاپ سوم، ۱۱۰ مجلد، بیروت، دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق)، ج ۱۰۶، ص ۱۶ و ۴۱۷. در سراسر این مقاله تنها به همین چاپ بحار الأنوار ارجاع می شود که مطابق با چاپ ایران است؛ ولی برخی چاپهای بیروت با چاپ ایران اندک تفاوتی در ترتیب مجلدات دارد.
(۲) در ابتدا، مؤلف آن را «بحار الأنوار المشتمل علی جُل أخبار الأئمة الأخیار» خوانده است و سپس از این نام عدول کرده است. رک: بحار، ج ۱۰۶، ص ۱۶.
(۳) کشف الأسرار، امام خمینی (قدس سره)، [قم]، [بی تا]، ص ۳۱۹ و ۳۲۰.

(۴) همان، ص ۳۲۴.

(۵) برای آگاهی از خصوصیات و مشخصات این چاپها رک: فهرست کتابهای چاپی عربی، خان بابا مشار، چاپ اول، تهران، انجمن کتاب، ۱۳۴۴ ش، ص ۱۱۳ تا ۱۱۶.

(۶) لازم به توضیح است که در رژیم گذشته، که بحار با تصحیح و تحقیق چاپ حرفوی شد، از نشر و تصحیح مجلد هشتم بحار که درباره حوادث و فتن بعد از پیامبر

مصححان آن با کوششی کم نظیر کار تصحیح را انجام داده اند، ولی به دلیل اینکه در آن زمان بسیاری از مآخذ بحار مخطوط بود و یا به شیوه چاپ سنگی و بسیار مغلوط چاپ شده بود، طبعاً از هر جهت کامل و بی عیب نیست. از این رو ابتدا لازم است مآخذ و منابع بحار به شیوه انتقادی و دقیق تصحیح و منتشر شود و سپس بحار الانوار، از نو، با عرضه بر این مصادر و مقابله با آنها، و نیز پس از مقابله با نسخه‌های خطی بحار، مجدداً تصحیح و منتشر شود. خوشبختانه مؤسسه آل البیت این کار را وجه همت بلند خود قرار داده و تاکنون ده کتاب از مآخذ بحار را با عنوان «سلسله مصادر بحار الانوار» به طور فنی و دقیق تصحیح و منتشر کرده است. این ده کتاب عبارت است از:

- ۱) الفقه الرضوی، منسوب به حضرت رضا علیه السلام، که بنا بر اصح اقوال، همان التکلیف شلمغانی است؛
 - ۲) مسکن الفؤاد عند فقد الأحمیة والأولاد، از شهید ثانی؛^۷
 - ۳) الإمامة والتبصرة من الحیرة، از علی بن بابویه پدر شیخ صدوق؛
 - ۴) قضاء حقوق المؤمنین، از ابوعلی صوری؛
 - ۵) أعلام الدین فی صفات المؤمنین، از حسن بن ابی الحسن دلمی؛^۸
 - ۶) فتح الأبواب بین ذوی الألباب و بین ربّ الأرباب، از رضی الدین علی بن طاوس؛
 - ۷) الأمان من أخطار الأسفار والأزمان، از رضی الدین علی بن طاوس؛
 - ۸) مسائل علی بن جعفر، از فرزند امام ششم علیه السلام؛
 - ۹) الحدیقة الهلالية، از شیخ بهاء الدین عاملی معروف به شیخ بهایی؛
 - ۱۰) تاریخ أهل البیت^۹، به روایت چند تن از بزرگان حدیث و تاریخ؛
- چنانکه در مجله تراثنا^{۱۰} آمده است تعدادی دیگر از مصادر بحار هم اکنون زیر چاپ است و یا مراحل تصحیح و تحقیق را می گذرانند، از آن جمله است
- ۱) کامل الزیارات، از ابن قولویه؛
 - ۲) الدرر العواقب من الأخطار، از رضی الدین علی بن طاوس؛
 - ۳) قرب الاسناد، از جمیری.
- اکنون به معرفی حدیقه هلالیه که یکی از مصادر بحار الانوار است و به همت مؤسسه آل البیت منتشر شده می پردازیم.
- صحیفه سجّادیه شروح و حواشی فراوانی دارد و مرحوم شیخ آقابزرگ تعداد زیادی از آنها را معرفی کرده است.^{۱۱} شرح شیخ بهایی (۹۵۳ تا ۱۰۳۰ ق) و سیدعلی خان مدنی از بهترین شرحهای صحیفه به شمار می آیند. شرح سیدعلی خان مدنی

موسوم به ریاض السالکین سالها پیش چاپ سنگی شده و اخیراً نیز در قم تصحیح شده و تاکنون يك مجلد آن منتشر شده است.^{۱۲} و اغلاط چاپی - و بعضاً غیر چاپی - فراوان دارد. نام شرح شیخ بهایی حدائق الصالحین است ولی شرح هر دعایی را به اسمی خاص نیز نامیده است مانند: الحدیقة الأخلاقية، الحدیقة الصومية و الحدیقة الهلالية. چنانکه خود شیخ بهایی در پایان حدیقه هلالیه تصریح کرده، تألیف این حدیقه را در شهر قزوین آغاز کرده و در ماه جمادی الآخر سال ۱۰۰۳ ق در کاظمین از آن فراغت پیدا کرده است. سیدعلی خان مدنی در دیباجه ریاض السالکین گفته است: «اینکه شیخ بهایی شرحش را حدائق الصالحین نامیده، مجاز است نه حقیقت، زیرا جز حدیقه هلالیه شرح بقیه ادعیه صحیفه را ننوشته است». حدیقه هلالیه شرح دعای چهل و سوم صحیفه، یعنی دعای حضرت سجّاد علیه السلام به هنگام رؤیت هلال است و گرچه تاکنون از بقیه این شرح اطلاعی به دست نیامده است ولی سخن سیدعلی خان، مبنی بر اینکه شیخ بجز این حدیقه را تألیف نکرده، درست نیست. زیرا شیخ در حدیقه هلالیه مکرراً به حدیقه‌های دیگر ارجاع می دهد و می گوید در آغاز این شرح و یا فلان حدیقه به تفصیل در این باره بحث کردیم (رک: ص ۹۳، ۹۴، ۱۲۱، ۱۲۸، ۱۳۰، ۱۳۳، ۱۵۰ تا ۱۵۲) و حتی در ص ۱۳۱ نوشته است: «بیشتر در حدیقه اخلاقیه از این شرح، که حدیقه بیستم و شرح دعای مکارم الأخلاق است، سخنی گفتم و متذکر شدم که...». البته صاحب ریاض العلماء هم ظاهراً بجز حدیقه هلالیه بخشهای دیگر شرح شیخ را ندیده، ولی گفته است: «بخشی از آن در مشهد موجود است» (بحار، ج ۱۱۰، ص ۱۷۱).

حدیقه هلالیه آکنده است از مطالب سودمند فقهی، فلسفی، کلامی، نجومی، اخلاقی، عرفانی و لغوی. به مناسبت بحث از معنای هلال فتوای نادر ابن ابی عقیل عمانی فقیه قرن چهارم را، مبنی بر وجوب دعاء به هنگام رؤیت هلال ماه رمضان، نقل می کند و پاسخ می دهد، و اشاره به برخی از دیگر فتاوی نادر وی می کند (ص ۶۸ و ۶۹). همچنین فتوای علامه حلی را، مبنی بر استحباب عینی و وجوب کفائی ترائی هلال ماه رمضان و سوال، یاد و آن را رد می کند. (ص ۷۰) نیز فتوای علامه و فخر المحققین را درباره اینکه اگر هلال ماه در جایی رؤیت شد و در جای دیگر يك شب بعد از آن دیده شد، آیا هر کدام از آن دو نقطه حکم جداگانه دارد یا با رؤیت هلال در يك نقطه، نقطه دیگر هم همان حکم را دارد (ص ۷۸)؟ و نیز نظر علامه و فرزندش فخر المحققین را مبنی بر کروی بودن زمین نقل کرده و گفته است: مخالفان کرویّت زمین هیچ دلیلی بر عدم کرویّت آن ندارند؛ و شبهات آنان را پاسخ داده است (ص ۷۸ و ۸۰). از دیگر مطالب کتاب است: بحث از حرکت ماه و منازل و افلاك آن (ص ۸۴ و ۸۵)، حیات یا عدم حیات

افلاك، و اینکه سخن ابن سینا درباره حیات افلاك حجت نیست و نمی شود به آن اعتماد کرد (ص ۹۱ تا ۹۳) و نظر شیخ بهایی مبنی بر اینکه نور برخی دیگر از کواکب بجز قمر نیز مستفاد از خورشید است (ص ۱۲۱ تا ۱۲۴)؛ لفظ آسمان مرکب است از «آس» به معنی آسیاب، و «مان» که دال بر تشبیه است (ص ۸۶)؛ خسوف و کسوف (ص ۹۷)؛ بحث درباره نور و اینکه آیا عرض قائم به جسم است یا جسم؟ (ص ۱۰۰ تا ۱۰۳)؛ بعید نبودن سخن برخی که گفته اند بطلیموس و ابرخس و بسیاری از حکیمان پیامبر بوده اند (ص ۱۰۶)؛ احوال ماه مانند: سرعت حرکت، اختلاف تشکلات نوری آن، اکتساب نورش از خورشید، خسوف آن به خاطر حایل شدن زمین بین آن و خورشید، کسوف خورشید به خاطر حایل شدن ماه بین زمین و خورشید، محو قمر (ص ۱۱۷ تا ۱۲۱)؛ برخی از خصوصیات ماه مثل اینکه نور آن کتان را فرسوده می کند و سبزه ها و میوه ها به هنگام زیادتی نور آن نمو و رشد بیشتری پیدا می کنند (ص ۱۳۷ تا ۱۳۸)؛ ارتباط حوادث روی زمین با اجرام علوی، علم نجوم حلال و علم نجوم حرام؛ نحس بودن برخی کارها در برخی اوقات (ص ۱۳۸ تا ۱۴۷).

در ص ۸۳ سخن فلاسفه مبنی بر امتناع خرق افلاك را رد می کند و می گوید که دلیلی که فلاسفه برای آن یافته اند سست تر از خانه عنکبوت است: «وما لفقّه الفلاسفة لإثباتها أوهن من بیت العنكبوت» و می افزاید: «معراج جسمانی پیامبر اکرم، صلوات الله علیه، که ثابت است، شاهد خرق افلاك است». و بالآخره، قصه شخصی که مادر بدکاره اش را کشت، و بهره برداری اخلاقی مؤلف از این داستان (ص ۱۳۲ و ۱۳۳) از جاهای آموزنده و خواندنی کتاب است. این ماجرا را مؤلف به نظم نیز در آورده است (ص ۱۳۲ تا ۱۳۳).

مؤلف در این کتاب، از برخی دیگر از تألیفاتش نام برده است که از جهات گوناگونی سودمند و راهگشا است، مانند: (۱) اربعین حدیث (ص ۱۵۰)؛ (۲) حاشیه تفسیر بیضاوی (ص ۱۵۲)؛ (۳) تفسیر موسوم به العروة الوثقی (ص ۱۵۲)؛ (۴) تعلیقات مطول تفتازانی (ص ۹۸)؛ (۵) رساله ای درباره اینکه نور کواکب مستفاد از خورشید است (ص ۱۲۴).

حدیقه هلالیه در سال ۱۳۱۷ ق در تهران چاپ سنگی شده است^{۱۳} که تقریباً به دلایل متعددی مانند اغلاط فراوان که مبتلا به عموم کتابهای چاپ سنگی است، قابل استفاده نبود؛ ولی خوشبختانه با تصحیح و تلاش حجة الاسلام سیدعلی موسوی خراسانی و مؤسسه آل البیت احیا شد. در این تصحیح همه نکاتی که برای يك تصحیح دقیق و فنی لازم است رعایت شده؛ و براساس نسخه اصل یعنی نسخه خط شیخ بهایی تصحیح شده است و آیه الله حسن زاده آملی قبل از چاپ آن را از نظر

گذرانده اند (ص ۵۹). فهرستهای متعدد راهنما در پایان کتاب، تعلیقات مفصل و مقدمه سودمند مصحح بر ارزش کتاب افزوده است. در مقدمه مصحح نکاتی تازه و جالب در تاریخ زندگی شیخ بهایی دیده می شود مانند نامه بهایی خطاب به میرداماد و پاسخ میر به وی (ص ۴۲ تا ۴۴) که برای نخست بار منتشر می شود.

باری، حدیقه هلالیه نهمین، و تاریخ اهل البیت علیهم السلام دهمین کتاب از «سلسله مصادر بحار الأنوار» است که مؤسسه آل البیت به مناسبت سیصدمین سال درگذشت علامه مجلسی آنها را منتشر کرده است. از خدای سبحان مسألت می کنیم که این کار عظیم و خدایسندانه یعنی تصحیح و نشر مآخذ بحار، به بهترین وجه و در کمترین زمان سامان گیرد و به فرجام رسد.

حاشیه:

(صلی الله علیه و آله) و سیره خلفا و چگونگی جنگ جمل و صفین و نهروان و جنایات معاویه و ... است، جلوگیری شد، بنابراین در چاپ ۱۱۰ جلدی، مجلدات ۲۸ تا ۳۴، یعنی هفت مجلد، چاپ نشده و از وسط ناقص است. (پس از پیروزی انقلاب، بخشی از مجلد هشتم بحار، که برابر با مجلد ۳۲ از چاپ ۱۱۰ جلدی می شود، با تصحیح آقای محمودی، به وسیله وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در تهران منتشر شد که آکنده از اغلاط است و نواقص فراوان دارد و نقد آن نیازمند مقاله ای جداگانه است.) همچنین سه مجلد ۵۴ تا ۵۶ از چاپ ۱۱۰ جلدی، فهرست موضوعات و مطالب بحار است که آقای هدایه الله مسترحمی آن را تنظیم و تدوین کرده است. همچنین در آغاز مجلد ۱۰۵، کتاب الفیض القدسی فی ترجمه العلامة المجلسی، تألیف محدث نوری، هم چاپ شده است. بحار از روی چاپ تهران، در بیروت نیز به شیوه افسست، با موافقت و عقد قرارداد با ناشر ایرانی تجدید چاپ شده ولی، برخلاف قرارداد، نام ناشر ایرانی از آغاز کتاب حذف شده است. در برخی چاپهای بیروت اندک تفاوتی از لحاظ ترتیب برخی مجلدات و تقدیم و تأخیر آنها دیده می شود به این ترتیب که مجلد ۵۴، ۵۵ و ۵۶ که فهرست بحار است به آخر کتاب برده شده است و نتیجه مجلد ۱۰۸، ۱۰۹ و ۱۱۰ را تشکیل داده است. بنابراین از مجلد ۵۴ تا آخر کتاب، سه شماره اختلاف با چاپ ایران دیده می شود و اگر مثلاً در چاپ ایران مطلبی در مجلد ۵۷ آمده، در برخی چاپهای بیروت در مجلد ۵۴ دیده می شود و هكذا. البته در همه چاپهای بیروت مقدمه مصححان که در چاپ ایران در آغاز مجلد اول است، به صورت مجلد صفر، مستقلاً چاپ شده است.

(۷) این کتاب در مجله نشر دانش، سال ۸، شماره ۲ (فروردین و اردیبهشت ۶۷)، ص ۴۲ تا ۴۵ معرفی شده است.

(۸) این کتاب در مجله تحقیقات اسلامی، سال ۳، شماره ۱ و ۲ (انتشار: ۱۳۶۸) ص ۱۹۳ و ۱۹۴ معرفی شده است.

(۹) این اثر به تصحیح استاد حجة الاسلام حسینی جلالی، و بسیار ارزنده است و معرفی آن نیازمند مقاله مستقلی است.

(۱۰) رك: مجله تراثنا، نشریه مؤسسه آل البیت علیهم السلام (شماره ۱۸)، محرم ۱۴۱۰ ق، ص ۲۵۰ تا ۲۵۲ و ۲۵۴.

(۱۱) رك: الذریعة الی تصانیف الشیعة، از شیخ آقابزرگ تهرانی. چاپ سوم، بیروت، دارالأضواء، ۱۴۰۳ ق، ج ۱۳، ص ۳۴۵ تا ۳۵۹.

(۱۲) مشخصات آن چنین است: ریاض السالکین فی شرح صحیفه سید الساجدین، تصحیح سیدمحسن حسینی امینی، چاپ اول، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۹ ق.

(۱۳) رك: فهرست کتابهای چاپی عربی، از خان بابا مشار، ص ۳۰۹.